

پروانگی در تشکیلات حکومتی سلجوقیان روم

* سید احمد رضا خضری

** طاهر بابایی

چکیده

«پروانگی» منصبی برجسته در تشکیلات سلجوقیان روم (حک: ۷۰۷ - ۴۷۳ ق) بود که تنها در این دولت، جایگاه والایی یافت و برای مدتی توانست فراتر از اقتدار همه مناصب دستگاه حکومتی ظاهر شود. شرایط حاکم بر دیوان سالاری سلجوقیان روم سبب شده بود تا پیچیدگی‌ها و درآمیختگی‌های بسیاری از حیث وظایف و اختیارات پروانگی با سایر مناصب پدید آید؛ به همین سبب پژوهش معتابه درباره وظایف و اختیارات پروانگی کمتر صورت پذیرفته است. این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع، مآخذ و پژوهش‌های تاریخی سامان داده شده و در گام نخست، پروانه و پروانگی را از نظر لغوی بررسی کرده، آنگاه با گزارشی مختصر درباره اصطلاح پروانه در دیوان سالاری سایر دولت‌های مسلمان، وارد بحث اصلی شده و در نهایت، پروانگان، وظایف، اختیارات و عملکرد آنان واکاوی کرده و به جایگاه پروانگی در میان سایر مناصب عهد سلجوقیان روم پرداخته است.

واژگان کلیدی

سلجوقیان روم، تاریخ تشکیلات حکومتی، پروانگی، معین‌الدین سلیمان پروانه.

طرح مسئله

پس از نبرد ملازگرد (۴۶۳ ق) و گشایش دروازه‌های آناتولی به روی سلجوقیان ایران، دوره‌ای تازه

akhezri@ut.ac.ir

taherbabaei@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۹

*. استاد دانشگاه تهران.

** . دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۸

با تحولات بسیار در آسیای صغیر آغاز شد که سبب قرابت فرهنگی این سرزمین با سرزمین‌های شرقی سلجوقیان گردید. پس از سربرآوردن دولت‌های مستقل و نیمه مستقل از بطن امپراتوری سلجوقی، سلجوقیان روم، حکومت آناتولی را در دست گرفتند. آنان در اغلب بخش‌های حکومتی، وامدار ساختار دولت سلجوقیان ایران بودند. خویشاوندی با سلجوقیان ایران و نیز حضور دیوان‌سالاران و نخبگان حکومتی ایرانی در تشکیلات سلجوقیان روم و تصدی مناصب پر نفوذ اداری و نظامی^۱ بر افزایش پیوستگی میان آنان تاثیر بسیار داشت. مناصبی مانند وزیر، بیگلربیگی، نایب سلطان، مستوفی، طغرای، امیر عارض، مشرف، امیرداد و ... گاه از لحاظ نام و گاه از حیث عملکرد بین سلجوقیان ایران و روم مشترک بود.^۲

شالوده بنای تشکیلات حکومتی سلجوقیان روم بر چندین دیوان استوار بود که در آنها امور اداری، مالی، نظامی، قضایی و حقوقی رسیدگی می‌شد. عمده امور اداری و مالی به شکل مستقیم و یا با واسطه، زیر نظر وزیر و امور نظامی و قضایی نیز به ترتیب در دست بیگلربیگی و قاضی‌القضات بود.^۳ در صدر این دیوان‌ها، دیوان اعلی،^۴ دیوان ممالک،^۵ دیوان سلطنت،^۶ دیوان سرای سلطنت^۷ به سرپرستی وزیر یا صاحب اعظم - که پس از سلطان عالی‌رتبه‌ترین مسئول حکومتی به‌شمار می‌آمد - قرار داشت.^۸ در دیوان اعلی درباره عمده امور غیرنظامی دولت تصمیم‌گیری و موارد مطروحه در دفترهایی به نام «دفاتر دیوان اعلی» ثبت می‌شد. در این دیوان کارگزارانی با عنوان منشی و ترجمان زیر نظر مناصب عالی‌رتبه به فعالیت می‌پرداختند.^۹

۱. ربانی، فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم، ص ۹۳.

2. Kaymaz, "Anadolu selçuklu devletinin inhitatında idare mekanizmasının rolü", TAD, p 102; Göksu, "Türkiye Selçuklu devletinde gulam eğitimi ve gulamhaneler", Nüsha Şarkiyat Araştırmaları Dergisi, p 73; Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 89.

3. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 87.

۴. ابن‌بی بی، الاوامر العلامیه فی الامور العلامیه، ص ۱۸۲؛ مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۵۳.

۵. همان، ص ۵۷.

۶. آق سرائی، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسامره الاخبار، ص ۷۹.

۷. همان، ص ۹۵.

8. Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", Tarih Araştırmaları Dergisi, p 149; Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 88.

9. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 89;

در اوایل دوره سلجوقی روم ۴ منشی و ۲ ترجمان در این دیوان حضور داشتند (مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۲۷۹) و احتمالاً حضور ۲۴ منشی در این دیوان که نیمی به امور نظامی و نیمی به امور غیر نظامی اشتغال داشتند، نادرست می‌نماید. (تالپوت رایس، سلجوقیان در آسیای کهن، ص ۸۷)

در دیوان اعلی که مجمع مناصب پرنفوذ بود، علاوه بر وزیر، صاحبان مناصب مهم دیگری مانند نائب، اتابک، مستوفی، طغرای، امیر عارض، وکیل خزانه، امیرداد، مشرف ممالک و پروانه حضور داشتند.^۱

منصب اخیر تنها در آسیای صغیر و در دوره سلجوقیان روم با این عنوان و به صورت منصبی کلان به چشم می‌خورد؛ با این حال پژوهش مستقلی درباره جزئیات مربوط به این منصب انجام نشده است. غالب پژوهش‌ها نیز درباره این منصب با تردید و ابهام سخن گفته‌اند که گاه اطلاعاتشان نادرست و متناقض می‌نماید.

در میان این پژوهش‌ها، هیچ یک به شکل خاص به پروانگی در دوره سلجوقیان روم نپرداخته‌اند و مقالاتی همچون مقالات دائرةالمعارف‌های مختلف به‌طور کلی (پروانگی در ادوار مختلف) به توصیف پروانگی دست زده‌اند. کاستی‌ها و اشتباهات پژوهش‌ها - جهت دوری از اطناب - در جای خود ذکر خواهد شد. علی‌هذا، در این پژوهش برآنیم تا به جزئیات مربوط به این منصب مانند منشأ پروانگی، جایگاه، وظایف و اختیارات آن در تشکیلات حکومتی سلجوقیان روم - که در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است - بپردازیم.

الف) معانی و شکل‌های نوشتاری پروانه

پروانه در لغت به معنای شاه پرک / شاپرک و نیز حیوانی گوشت‌خوار و افسانه‌ای شبیه روباه یا سیاه گوش - که پیشاپیش شیر حرکت می‌کند و با آواز خود، جانوران را از حضور شیر آگاه می‌سازد - آمده است.^۲ احتمالاً به سبب همین آگاهی‌دهی و خبررسانی است که عناوینی مانند برید الاسد، فرانق الاسد و الببر البرید - که تشابه لفظی با اصطلاحات سازمان برید دارد - درباره این حیوان به کار رفته است.^۳

در کتب لغت، معانی دیگری مانند حکم و فرمان، برات، اذن و اجازه، دستور، فتوای قاضی و پیشرو لشکر برای پروانه ذکر شده است.^۴

1. Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", Tarih Araştırmaları Dergisi, Ibid; Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, Ibid.

۲. برهان، برهان قاطع، ج ۱، ص ۳۹۲؛ رامپوری، غیث اللغات، ص ۱۶۹؛ نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۱، ص ۷۲۷.

۳. جاحظ، الحیوان، ج ۱، ص ۱۶۴؛ ج ۴، ص ۳۳۵؛ دمیری، حیاة الحیوان الکبری، ج ۲، ص ۳۰۲؛ محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال، ج ۵، ص ۸۲.

۴. برهان، برهان قاطع؛ رامپوری، غیث اللغات؛ نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۱، ص ۷۲۷.

واژه پروانه در منابع تاریخی علاوه بر این شکل به صورت فرانک،^۱ فرانتق،^۲ فروانق،^۳ پروانه^۴ و پروانه^۵ آمده است.

ب) نگاهی به پروانگی در حکومت‌های اسلامی

در دوره امویان و با باز تولید سازمان برید، اصطلاح پروانه در معنای پیک و قاصد به این تشکیلات راه یافت. خوارزمی، در دوره عباسیان، همین معنا را (حامل الخرائط) برای پروانه آورده و به اقتباس آن از ایرانیان اشاره کرده است.^۷ در این دوره، اصطلاح پروانه به‌عنوان جزئی از سازمان برید و بارها به همراه اصطلاحاتی چون اصحاب البرید / صاحب البرید و سکه‌های برید تکرار شده و استفاده از واژه پروانه به صورت جمع (فرانقین / فروانقین / فروانقین) به تعدد افراد صاحب این عنوان اشاره دارد.^۸

کاربرد گسترده پروانه از دوره سلجوقیان آغاز می‌شود. در منابع تشکیلاتی این دوره - مانند عتبه الکتبه، التوسل الی الترسل و دستور دبیری - هیچ نشانه‌ای از پروانه به چشم نمی‌خورد؛^۹ اما در کتاب *سیر الملوک* خواجه نظام‌الملک بدان پرداخته شده و از آن به‌عنوان اوراقی که «از مهمات ولایت و اقطاع و صلات که به دیوان و خزانه می‌رسد» یاد شده است.^{۱۰} در این گزارش، پروانه در مفهوم منصب به کار نرفته است، اما تأکید خواجه بر اهمیت و دقت در رسیدگی به امور پروانه‌ها و گماردن

۱. صولی، *ادب الکتاب*، ص ۱۹۳.

۲. همان، ص ۱۹۴ - ۱۹۳؛ خوارزمی، *مفاتیح العلوم*، ص ۸۹؛ ابن خردادبه، *المسالك و الممالک*، ص ۱۵۳؛ ابن فقیه، *کتاب البلدان*، ص ۱۵۳؛ طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۷، ص ۶۲۵؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۲۹، ص ۳۴۹.

۳. قدامه بن جعفر، *الخراج و صناعه الکتابه*، ص ۷۷.

۴. ابن عبری، *تاریخ مختصر الدول*، ص ۲۸۸.

۵. بیشتر در منابع دوره مملوکی مصر و در اشاره به معین‌الدین سلیمان پروانه: ابن خلدون، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ...*، ج ۵، ص ۴۵۱؛ یونینی، *ذیل مرآة الزمان*، ج ۳، ص ۱۱۵ و ۲۶۹ - ۲۶۸؛ قلقشندی، *صبح الاعشی فی صناعه الانشاء*، ج ۵، ص ۳۳۲.

۶. ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۲۹، ص ۳۴۹.

۷. خوارزمی، *مفاتیح العلوم*، ص ۸۹.

۸. ابن فقیه، *کتاب البلدان*؛ قدامه بن جعفر، *الخراج و صناعه الکتابه*؛ ابن خردادبه، *المسالك و الممالک*، ص ۱۵۳؛

طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۷، ص ۶۲۵ (در بیان دوره منصور)؛ قاضی تنوخی، *نشوار المحاضره*، ج ۱،

ص ۵۴. (در بیان دوره مقتدر عباسی)

۹. برگ نیسی، «پروانه»، *دانشنامه جهان اسلام*، ص ۵۷۰.

۱۰. طوسی، *سیرالملوک*، ص ۱۱۸.

فردی برای تصدی این امر، نشان از وجود منصبی در ارتباط با پروانه‌ها دارد.^۱ احتمالاً اصطلاح پروانه از طریق خوارزمشاهیان به ایلخانان رسید و در دوره آنان علاوه بر معنای فرمان و حکم نام مهر کوچکی بود که بر اسناد خزانه زده می‌شد.^۲ در همین دوران مناصبی مانند ناظر ممالک، اشراف ممالک و نیابت وزارت، مهر و نشانی داشتند که پروانه خوانده می‌شد.^۳ پروانه تا سده هشتم هجری کمتر به‌عنوان یک منصب مطرح بود، اما در دوره تیموریان برای نخستین بار از منصبی به نام پروانچی / پروانه چی سخن به میان آمده که مسئول رسیدگی به «پروانجات» بوده است.^۴ پروانه چی با کاربردی تقریباً مشابه در حکومت‌های قره قویونلو، آق قویونلو و صفوی نیز دیده می‌شود.^۵ در سوی غربی جهان اسلام و در مصر دوره مملوکی از پروانه (فرانق) در مفهوم قاصد استفاده می‌شد.^۶

آنچنان که گفته شد، عنوان پروانه در ساختار حکومتی دولت‌های ایرانی وجود داشت؛ اما در هیچ سرزمین و دولتی به‌اندازه سرزمین آسیای صغیر و دولت سلجوقیان روم، جایگاه و اهمیت والایی نیافته است. بی‌تردید، منشأ پروانه موجود در این دولت، برگرفته از همانامان ایرانی آنان بوده است؛ زیرا دولت سلجوقی روم میراث خوار تشکیلات سلجوقیان ایران بود.

ج) پروانگی در دوره سلجوقیان روم

پروانه از مناصب عالی‌رتبه دیوانی سلجوقیان روم و از اعضای دیوان اعلی - که مرکز تصمیم‌گیری درباره امور مهم دولت سلجوقی بود - به‌شمار می‌آمد؛ با این حال اطلاعات محدودی درباره این منصب در دست است. جایگاه پروانگی در دیوان‌سالاری سلجوقیان روم، فراز و فرودهای بسیاری را به خود دید و درجه اهمیت آن متغیر بود. با جمع‌بندی گزارش‌های منابع درباره سلسله مراتب مناصب تشکیلات این دولت - بدون درنظر گرفتن دوره پروانگی معین‌الدین سلیمان^۷ - می‌توان جایگاه

۱. همان.

2. Kesik, "Pervane", DİA, p. 244.

۳. نخجوانی، دستور الکاتب فی تعیین المراتب، ج ۲، ص ۱۱۱، ۱۱۳ و ۱۲۴.

۴. حافظ ابرو، زبدة التواریخ، ج ۳، ص ۴۷، ۲۸۴ و ۵۲۸؛ خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۵۸۸؛ سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج ۳، ص ۱۷۱؛ نیز بنگرید به: Herrmann, "Parwanači", EI2, p. 277.

۵. خنجی، تاریخ عالم آرای امینی، ص ۳۲۹؛ ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۳۲۵؛ واله قزوینی، خلد برین، ص ۸۶۶؛ نیز بنگرید به: Kesik, Ibid.

۶. ابن خلدون، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ...، ج ۷، ص ۳۵۱ و ۳۵۵.

۷. بنگرید به: ادامه مقاله.

پروانه را پس از مناصب وزارت، نیابت سلطنت، بیگلریگی / ملک الامرا و اتابکی دانست.^۱ ارتقای نظام‌الدین خورشید پروانه از پروانگی به نیابت سلطنت نیز نشان از برتری نیابت بر پروانگی دارد.^۲ اما با روی کار آمدن معین‌الدین سلیمان، این ترتیب‌بندی تغییر یافت و پروانگی بالاتر از همه مناصب و پس از وزیر قرار گرفت.^۳ با وجود این، این سلسله مراتب نیز تشریفاتی بود و معین‌الدین سلیمان پروانه، جایگاهی فراتر از همه مناصب (حتی سلطان) به خود اختصاص داده بود. انتخاب پروانه غالباً برعهده وزیر بود^۴ و از سوی سلطان، اقطاع‌های درخوری دریافت می‌کرد.^۵ همچنین برای انجام بهتر امور محوله به پروانه، افرادی با عنوان حاجب و نائب وی را همراهی می‌کردند.^۶

د) صاحب‌منصبان پروانه (پروانگان)^۷

در دوره سلجوقیان روم، افرادی به منصب پروانگی دست یافتند که مهم‌ترین آنان عبارت بودند از: جلال‌الدین قیصر / جلال قیصر پروانه، ظهیرالدین ایلی پروانه، شرف‌الدین محمد، تاج‌الدین ارزنجانی، ولی‌الدین پروانه، فخرالدین ابوبکر عطار، سیف‌الدین حمید، نظام‌الدین خورشید، رکن‌الدین پروانه و معین‌الدین سلیمان پروانه.

۱. مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۴۵۲ و ۴۷۰؛ آق سراپی، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار،

ص ۲۴۲؛ ابن‌بی‌بی، الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة، ص ۴۸۲.

۲. همان، ص ۵۴۱؛ مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۲۸۸.

۳. همان، ص ۴۱۸؛ آق سراپی، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار، ص ۸۹.

۴. همان، ص ۱۴۹؛ مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۴۴۱.

۵. همان، ص ۲۱۲؛ ابن‌بی‌بی، الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة، ص ۵۴۵؛ آق سراپی، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و

مسایره الاخبار، ص ۲۴۳.

۶. همان، ص ۹۷؛ تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ص ۱۱۱؛ ابن‌بی‌بی، الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة، ص ۵۴۵.

۷. در مقاله دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل «پروانه، خاندان» اشتباهات بسیاری به چشم می‌خورد که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود: ۱. سال حکومت پروانگان ۷۰۰ - ۶۴۹ ق ذکر شده که درست آن ۷۲۲ - ۶۷۶ ق است. ۲. پروانگان هیچ‌گاه به شکل کامل، استقلال نیافتند. ۳. جلال‌الدین قیصر نخستین کس از این خاندان ذکر شده که هیچ ارتباطی به این خاندان ندارد و اگر مراد تصدی پروانگی است که باید شمار بسیاری از پروانگان را به این مقاله افزود. ۴. مذهب‌الدین علی هیچ‌گاه از پروانگان و متصدی پروانگی نبوده، بلکه وزارت غیاث‌الدین کیخسرو دوم را داشت و تنها مطلبی که می‌توان برای پیوند وی با پروانگان ذکر کرد، این بود که فرزندش به پروانگی رسیده است. ۵. معین‌الدین سلیمان که در این مقاله به تفصیل بدان پرداخته شده، متصدی منصب پروانگی بوده است و اخلاف وی بودند که دولت پروانگان را بنیان نهادند. از این‌رو، ذکر نام وی در شمار خاندان حکومتگر پروانه - که پس از مرگ وی سربرآوردند. نادرست است. ۶. ایراد دیگری که می‌توان بر این مقاله گرفت، پرداختن کوتاه و بسیار مختصر به خاندان حکومتگر پروانه است. که عنوان این مقاله بوده است، اما تنها دو پاراگراف کوتاه و حدود یک پنجم مقاله بدان اختصاص یافته است.

بی‌تردید در میان این پروانگان، معین‌الدین سلیمان پروانه (د. ۶۷۶ ق) بیشترین شهرت را داراست. معین‌الدین سلیمان الدیلمی^۱ فرزند مهذب‌الدین علی - وزیر کیخسرو دوم (حک: ۶۴۳ - ۶۳۴ ق) - بود که پس از نبرد «کوسه داغ» (۶۴۱ ق) سلجوقیان روم را از نابودی رهاوند و آنان را به صورت نیمه مستقل، خراج‌گزار ایلیخانان کرد.^۲ در مذاکرات صلح صورت گرفته، معین‌الدین نیز پدر را همراهی می‌کرد.^۳ در منابع، نام معین‌الدین برای نخستین بار در امارت توقات و پس از آن به عنوان سرلشگر ارزنجان آمده است.^۴ وی در دوره عزالدین کیکاوس دوم (۶۵۷ - ۶۴۳ ق) امیر حاجب شد؛ نیز گفته شده است که این عنوان به سبب لیاقت و تدبیر معین‌الدین از سوی بایجونیان مغول به وی داده شد.^۵ با روی کار آمدن رکن‌الدین قلج ارسلان، نظام‌الدین خورشید پروانه، به نیابت سلطنت رسید و جایگاه پروانگی خود را به معین‌الدین سلیمان داد.^۶ وی پس از تصدی مقام پروانگی قدرت‌نمایی خود را آغاز کرد و اقداماتش سبب شد تا دوره‌ای به نام او (عصر پروانه) آغاز شود.^۷ دوره‌ای که معین‌الدین آن چنان اقتداری یافت که مورخان این‌گونه وصفش کرده‌اند: «عماد دولت و خلاصه ارکان مملکت»،^۸ «مدبر ملک»،^۹ «عماد دولت و قطب سلطنت و زمام حل و عقود امور امیر و مأمور در قبضه و فور با کفایت او پیوسته»^{۱۰} و «مغل همچو انگشتری بود در دستش گردان».^{۱۱}

درباره معین‌الدین سلیمان، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ با این حال، به اختصار به

۱. نیز به کاشانی / کاشی و کاری (شهری در عراق) نسبت داده شده است. (مستوفی، تاریخ‌گزیده، ص ۴۷۸؛

یونینی، ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۲۶۸؛ خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۵۴۰)

2. Kesik, "Muinüddin Süleyman Pervane", DİA, p. 91.

3. Ibid.

۴. یوسفی حلوانی، روابط سیاسی سلاجقه روم با ایلیخانان، ص ۱۲۸؛

Kesik, "Muinüddin Süleyman Pervane", DİA, Ibid.

5. Kesik, "Muinüddin Süleyman Pervane", DİA, Ibid; Hillenbrand, "Muin al din Sulayman Parwana", EI2, p. 479.

۶. مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۲۸۸؛ ابن‌بی‌بی، الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه، ص ۵۴۱؛ نیز گفته شده پس از درگذشت نظام‌الدین خورشید به این مقام رسید. (آق‌سرای، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسامره الاخبار،

ص ۴۶ - ۴۵)

۷. همان، ص ۴۵؛

Erdem, "Türkiye Selçuklu. İlhanlı İktisadi...", AÜDTCFD, p 52; Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", Tarih Araştırmaları Dergisi, p. 158.

۸. مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۲۹۱.

۹. مستوفی، تاریخ‌گزیده، ص ۴۷۸.

۱۰. ابن‌بی‌بی، الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه، ص ۵۴۴.

۱۱. مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۳۵۳؛ مجهول المؤلف، تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ص ۹۹.

حوادث دوره وی پرداخته می‌شود. معین‌الدین در جریان تقسیم آناتولی به دو بخش از سوی ایلخان، وزارت رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم (حک: ۶۶۴ - ۶۵۵ ق) و اداره امور بخش شرقی آناتولی به مرکزیت توقات را برعهده گرفت.^۱ وی پس از مدتی برادر سلطان را - که حکومت نیمه دیگر آناتولی را در دست داشت - از میان برداشت و حکومتی یکپارچه تشکیل داد. نقش آفرینی معین‌الدین در این برهه، یادآور تلاش‌های پدرش در احیای سلجوقیان روم پس از نبرد کوسه داغ است که این‌بار معین‌الدین، سلجوقیان را از تجزیه و نابودی نجات داد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی معین‌الدین، سیاست دوگانه وی در قبال مغولان و ممالیک بود که گاه برای جلب حمایت آنان، دوستانه و گاه خصمانه بود که منجر به جنگ می‌شد.^۲ معین‌الدین، پروانگی رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم و غیاث‌الدین کینخسرو سوم (حک: ۶۸۲ - ۶۶۴ ق) را برعهده داشت. او سرانجام به اتهام اهمال در جنگ با ممالیک و همکاری با آنان (بیرس) و نیز به اتهام مشارکت در قتل سلطان رکن‌الدین، در سال ۶۷۶ ق به دست مغول به قتل رسید.^۳ جنازه وی به دست مغول قطعه‌قطعه و در دیگ‌ها پخته شد.^۴ مرگ وی، به‌منزله پایان دوره‌ای از شکوه آناتولی با حضور ایرانیان بود و پس از وی، سلجوقیان به سراشیبی سقوط کشیده شدند.

نفوذ و اقتدار معین‌الدین سلیمان در منصب پروانگی تا بدان حد بود که علاوه بر نامیده شدن دوره‌ای به نام او، خویشاوندان خلف او نیز «پروانه خوانده» شدند، آن‌چنان‌که با آغاز تجزیه دولت سلجوقیان روم، امیرنشینی با نام پروانگان (حک: ۷۲۲ - ۶۷۶ ق) در آناتولی و به مرکزیت سینوب سربرآورد که حکمرانان آن فرزندان معین‌الدین سلیمان بودند. معین‌الدین سلیمان، که فاتح سینوب بود،^۵ در دوره قلج ارسلان چهارم، اقطاع سینوب را به نام خود زد و فرزندش معین‌الدین محمد را بدانجا گسیل داشت. او پس از مرگ معین‌الدین سلیمان در سینوب، علم استقلال برافراشت. پس از این اقدام و آشفتگی‌های پیش‌آمده در آناتولی، نماینده غازان‌خان، حکومت سلجوقیان روم را به چهار بخش تقسیم کرد و معین‌الدین محمد را به قسطنطنیه فرستاد. وی با کمک یاران پدرش، دسته‌ای منسجم شکل داد و مناطق هم‌جوار مانند کنکری / چانگیری، قونیه و سفربحصار (سوربحصار) را به

۱. ابن‌بی‌بی، *الاورامر العلائیه فی الامور العلائیه*، ص ۵۴۸.

2. Bal, "Türkiye Selçukluları, Mısır Memlükleri ve Altın Orda Devleti'nin İlhanlılara Karşı Kurduğu İttifak", *Türkiyat Araştırmaları Dergisi*, p. 295-310.

۳. مشکور، *اخبار سلاجقه روم*، ص ۳۲۰ و ۴۳۱؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۵، ص ۲۲۶.

3. Kesik, "Muinüddin Süleyman Pervane", *DİA*, p. 92.

۴. ابن‌عبری، *تاریخ مختصر الدول*، ص ۲۸۸؛ یوسفی حلوانی، *روابط سیاسی سلاجقه روم با ایلخانان*، ص ۱۴۰.

۵. مشکور، *اخبار سلاجقه روم*، ص ۳۵۳.

چنگ آورد.^۱ محمد در سال ۶۹۶ ق در قونیه درگذشت. پس از وی برادرزاده‌اش مهذب‌الدین مسعود، قدرت را در دست گرفت و با ایلخانان روابط دوستانه‌ای برقرار کرد و با فتح بافرا و سامسون، دامنه قلمرو خود را گسترش داد. وی سپس به جنگ جنوایی‌ها رفت، اما شکست خورده و اسیر با پرداخت فدیة آزاد شد و سرانجام در سال ۷۰۰ ق در سینوب درگذشت و به جای او فرزندش غازی چلبی بر قدرت تکیه زد. غازی چلبی با تقویت نیروی دریایی به کفه و خانات کریمه یورش بود و نیز در جنگی ناوگان جنوایی‌ها درهم شکست. او در سال ۷۲۲ ق در اثنای شکار از دنیا رفت. غازی چلبی فرزند ذکوری نداشت؛ از این رو، دختر وی حکومت را در دست گرفت، اما در همان سال نخستین با حمله جاندارزاده سلیمان پاشا - حکمران قسطنطنیه - روبه‌رو شد و با فتح سینوب به دست وی، حکومت پروانگان برچیده گردید.^۲

ه) وظایف و اختیارات (قانونی) پروانه

در پژوهش‌های مربوط به تاریخ و تشکیلات سلجوقیان روم، وظایف متعددی برای پروانگان ذکر شده است. یکی از مهم‌ترین وظایف پروانه، پرداختن به امور اراضی، نظیر تحریر دفتراهای مربوط به زمین‌های اقطاعی بود که در دیوان اعلیٰ مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. نیز آماده‌سازی منشورات و برات‌های مربوط به این اراضی - که خود نیز پروانه نام داشتند - برعهده منصب پروانه بود.^۳ نظارت بر درآمد اقطاع‌ها و انجام توجیهات مربوط به عواید آنها نیز برعهده پروانه قرار داشت.^۴ از دیگر وظایف پروانه می‌توان به مسئولیت وی در نظارت بر فرمان‌های صادره درباره خزانه و دیوان، رساندن پیام‌های خصوصی سلطان، دادن مشاوره به سلطان و توزیع بخشش‌ها (احسان‌ها) اشاره کرد.^۵ با مطالعه تاریخ این دوره و دقت در عملکرد پروانگان نیز می‌توان به برخی از اختیارات و وظایف آنان پی برد، اما نباید ارتباط میزان اختیارات با دارنده منصب نادیده انگاشته شود؛ زیرا برخی از این

۱. همان، ص ۴۵۹، ۴۶۲ و ۴۷۳؛ آق سرایلی، *تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخیار و مسایره الاخیار*، ص ۲۱۸ - ۲۱۷؛

Kesik, "Pervaneoğulları", DİA, p. 245.

۲. ابن بطوطه، *رحله*، ج ۲، ص ۲۰۹ - ۲۰۸؛ Kesik, "Pervaneoğulları", DİA, p246.

3. Uzunçarşılı, *Osmanlı devleti teşkilatına medhal*, p 95; Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", *Tarih Araştırmaları Dergisi*, p 157; Koca, "Selçuklu İktidarının Belirlenmesinde Rol Oynayan Güçler.. .", *Türkiyat Araştırmaları Dergisi*, p. 7, dipnote 6; Kesik, "Pervane", DİA, Ibid.

4. Uzunçarşılı, *Osmanlı devleti teşkilatına medhal*, Ibid.

۵. ربانی، *فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم*، ص ۴۹؛

Uzunçarşılı, *Osmanlı devleti teşkilatına medhal*, p 96; Kesik, "Pervaneoğulları", DİA, Ibid.

اقدامات صرفاً معلول اقتدار دارنده منصب بوده است. با این حال کشف و بیان این گزارش‌ها می‌تواند به روشن شدن اطلاعات درباره این منصب یاری رساند.

و) وظایف پروانگان براساس عملکرد

۱. وظایف نظامی

پروانگی از مقامات اداری و دیوانی بود و قاعداً نقش آفرینی نظامی وی الزامی نبود؛ اما پروانگان در بسیاری از موارد، علاوه بر حضور در لشکرکشی، گاه فرماندهی نظامی را نیز عهده‌دار بودند. از آن جمله، تاج‌الدین پروانه ارزنجانی در دوره علاء‌الدین کیقباد دوم (حک: ۶۶۳ - ۶۴۶ ق)، فرماندهی نبرد با شامیان و نیز فرماندهی لشکر سلجوقی را در حمله به «آمید» و فتح دیار «بکر» برعهده داشت.^۱ مرگ یا کشته شدن پروانگانی مانند نظام‌الدین خورشید و ولی‌الدین پروانه در هنگام همراهی سپاه یا در معرکه نبرد، حکایت از نقش آفرینی نظامی آنان دارد.^۲ در میان پروانگان، معین‌الدین سلیمان به سبب نفوذ و قدرت فراوانی که به‌دست آورده بود، در این عرصه نقش پررنگی داشت. حضور در جنگ‌ها به همراه مغولان، فرماندهی نبرد با ممالیک، حمله نظامی به سلطان عزالدین کیکاوس دوم و فتح سینوب و جانیک گوشه‌ای از تحرکات نظامی این پروانه مقتدر بوده است.^۳

۲. انتخاب جانشین سلطان

یکی از مهم‌ترین مسائلی که پس از درگذشت سلطان، مطرح می‌شد، مسئله جانشینی بود که همواره صاحب منصبان عالی‌رتبه در آن اختلاف داشتند. در این میان، پروانگان در به تخت نشاندن برخی از سلاطین کوشا بودند و گاه توانسته‌اند به خواسته خود تحقق بخشند. تلاش‌های ظهیرالدین ایللی پروانه (برای به تخت نشاندن علاء‌الدین کیقباد اول در سال ۶۱۶ ق)، شرف‌الدین محمد پروانه (به توصیه عزالدین کیکاوس اول و برای به تخت نشاندن علاء‌الدین کیقباد اول)، تاج‌الدین پروانه (برای به تخت نشاندن غیاث‌الدین کیخسرو دوم در سال ۶۳۴ ق)، فخرالدین ابوبکر (برای به تخت نشاندن عزالدین کیکاوس دوم در سال ۶۴۴ ق) و معین‌الدین سلیمان (برای به تخت نشاندن رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم و غیاث‌الدین کیخسرو سوم) نمونه‌هایی از این اقدام بود که اغلب به نتیجه رسید.^۴

۱. ابن‌بی‌بی، *الاورامر العلائیه فی الامور العلائیه*، ص ۳۹۳ - ۳۹۱ و ۴۰۲؛ مشکور، *اخبار سلاجقه روم*، ص ۱۹۵ و ۲۰۱.

۲. همان، ص ۲۳۹؛ آق سرائی، *تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار*، ص ۴۵.

۳. مشکور، *اخبار سلاجقه روم*، ص ۲۹۲، ۲۹۸ - ۲۹۶، ۳۱۷ و ۳۵۳؛ ابن‌بی‌بی، *الاورامر العلائیه فی الامور العلائیه*، ص ۵۵۱.

۴. همان، ص ۱۹۳ و ۴۸۱؛ مشکور، *اخبار سلاجقه روم*، ص ۴۰، ۸۴، ۲۰۹، ۲۵۱ و ۳۰۴ - ۳۰۳.

Kesik, "Muinüddin Süleyman Pervane", *DİA*, p. 91-92.

۳. مذاکره

دیگر وظیفه منصب پروانه، مذاکره با مغولان بود که گاه از همراهی مناصب عالی‌رتبه نیز برخوردار می‌شد. نظام‌الدین خورشید در جریان درگیری عزالدین کیکاوس دوم و بایجو نویان، نماینده سلطان سلجوقی برای مذاکرات بود^۱ و معین‌الدین سلیمان، نماینده رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم، برای مذاکره به ایران و نزد سلطان ایلخان گسیل داشته شد.^۲

۴. عزل و نصب کارگزاران

متناسب با اقتدار دارنده منصب، عزل و نصب‌هایی به‌دست پروانه انجام می‌شد. تلاش فخرالدین ابوبکر پروانه در کنارزدن امرای دولتی،^۳ عزل مقام بالادستی وزارت (صاحب فخرالدین) و نصب مجدالدین محمد ارزنجانی و صاحب عطا به وزارت و نیز گماردن قاضی قونیه به‌دست معین‌الدین، از جمله این اقدامات است.^۴ گزارش آق‌سرای نیز به عزل و نصب کارگزاران اداری و نظامی به‌دست پروانه اشاره دارد: «معین‌الدین پروانه ... کارداران کافی و سپهداران شجاع بر ولایات نصب کرد.»^۵

۵. دادن اقطاع

پروانگان علاوه بر رسیدگی به امور دیوانی اراضی و برخورداری از اقطاع، خود نیز می‌توانستند زمینی را به اقطاع امرای درآورند. برای نمونه، معین‌الدین سلیمان، نکیده (نیکده) را به پسر خطیر اقطاع داد.^۶

۶. تنظیم امور اداری - مالی مناطق تازه فتح شده

این اقدامات، انحصاراً در دوره علاء‌الدین کیقباد دوم و به‌دست تاج‌الدین پروانه صورت گرفته است. تاج‌الدین پروانه پس از فتح دیار اخلاط (ارمنستان) به همراه صاحب و مستوفی عازم آن دیار شد و امور مختلفی مانند برپایی دیوان، آمارگیری املاک و عقارات، بازگرداندن کشاورزان به زمین‌های خود، ضبط دخل و خرج کوتوالان و برقراری تسامح در مالیات‌گیری را به انجام رساند.^۷

۱. مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۲۸۵؛ ابن بی‌بی، الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه، ص ۶۳۸

۲. همان، ص ۵۷۳؛ مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۲۵۴ و ۲۹۴.

۳. همان، ص ۲۵۳.

۴. همان، ص ۳۰۸ - ۳۰۶؛ افلاکی، مناقب العارفین، ص ۴۱۵؛

Kesik, "Muinüddin Süleyman Pervane", DİA, p. 92.

۵. آق‌سرای، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسامره الاخبار، ص ۴۶.

۶. مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۳۰۰.

۷. همان، ص ۱۸۷ - ۱۸۶؛ ابن بی‌بی، الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه، ص ۳۸۲.

ز) پروانگی و سایر مناصب

تشکیلات سلجوقیان روم دارای پیچیدگی و درآمیختگی بسیاری بود و اقدامات مقامات چندان به منصب آنان ارتباطی نداشت، بلکه بسته به صاحب منصبی بود که عهده‌دار هر یک از این مناصب می‌شد. در تشکیلات سلجوقیان روم، بارها صاحب منصبان مقتدری چون وزیر، اتابک، نایب سلطان، بیگلربیگی و نظیر اینها به چشم می‌خورند که فراتر از اختیارات منصب خویش عمل می‌کردند و در انجام وظایف با سایر مناصب شراکت داشتند.^۱ این درآمیختگی، درباره منصب پروانگی نیز مشهود است و در منابع تاریخی، وظایف پروانه با سایر مناصب خلط شده و پروانه، گاه صاحب آن منصب و گاه ایفاکننده وظایف دیگر مناصب، لحاظ شده است. این درحالی است که پروانگی منصبی مستقل و متفاوت با این مناصب بود. از این رو به مناصبی که دارای وظایف مشترک با پروانگی بودند، پرداخته می‌شود.

۱. پروانگی و وزرات

عالی‌رتبه‌ترین صاحب منصب دربار سلاطین سلجوقی روم، وزیر / صاحب / صاحب اعظم / صاحب دیوان نام داشت که به نشانه وزارت، خلعت، منشور و دوات وزارت دریافت می‌کرد.^۲ وزیر علاوه بر ریاست دیوان اعلی، تمام امور غیرنظامی مملکت را عهده‌دار بود.^۳ با این حال، اختیارات وزیران همانند سایر مناصب تشکیلات سلجوقی روم بسته به دارنده منصب، متغیر بود و گاه اقتدار وزیر به حدی بود که تمامی امور حتی امور نظامی و شرکت در جنگ را نیز در برمی‌گرفت.^۴ در مجموع دوره سلجوقیان روم، وزرای آناتولی برخلاف وزرای سلجوقی ایران، از اقتداری که هم‌تایانشان در سایر بلاد اسلامی داشتند، بی‌بهره بودند.^۵ دلیل این وضع را می‌توان در ضعف دستگاه سلطنت و رسیدن افرادی از مقامات پایین دست (برخلاف حکومت‌های ایرانی که از مناصب مهم اهل قلم گزینش می‌شدند) به این منصب دانست که سبب دخالت و شراکت دیگر مناصب در اداره امور می‌شد.^۶ با وجود این، صاحب / وزیر از مناصب عالی‌رتبه و برخوردار از اقطاع کلان بود.^۷

1. Uzunçarşılı, p. 89, 92, 99; Taneri, p. 151, 154, 157; Bal, Türkiye Selçuklu Devletine Hükümdarlık Yapan Vezir; Semseddin isfahânî, p. 256, 292.

2. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 90.

3. Ibid.

4. Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", Tarih Araştırmaları Dergisi, p. 151-152.

۵. ربانی، فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم، ص ۴۹.

6. Kaymaz, "Anadolu selçuklu devletinin inhitatında idare mekanizmasının rolü", TAD, p. 102.

7. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 91-92.

معین‌الدین سلیمان پروانه با تصدی مقام پروانگی، تقریباً تمامی اختیارات مربوط به وزیر را نیز عهده‌دار شد. از این روست که در پژوهش‌های مرتبط با دوره سلجوقیان روم^۱ و نیز در منابع عربی،^۲ معین‌الدین سلیمان را - به اشتباه - وزیر و صاحب خوانده‌اند. همچنین انتصاب خارج از قاعده و کوتاه مدت معین‌الدین سلیمان به وزارت رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم از سوی ایلخان ایران^۳ را می‌توان دلیل اشتباه پژوهشگران و مورخان در وزیر خواندن معین‌الدین دانست. این درحالی است که معین‌الدین سلیمان پیش از این هیچ‌گاه وزیر نبوده و در زمان رسیدن به حضور ایلخان فرد دیگری عهده‌دار منصب وزارت بوده است. نیز پس از بازگشت از نزد ایلخان، بارها از منصب صاحب و وزیر در کنار معین‌الدین سلیمان سخن به میان آمده است.^۴

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که معین‌الدین سلیمان پروانه، هیچ‌گاه در آناتولی و در تشکیلات سلجوقیان روم به وزارت نرسیده است؛ البته با توجه به اقتدار وی، اختیارات این منصب را عملاً در دست داشت. به نظر می‌رسد، معین‌الدین سلیمان در تصدی منصب پروانگی و نامیده شدن به آن عنوان تعمد و اصرار داشته است؛ آن‌چنان که آق‌سرایبی در وصف او می‌نویسد: «همچنان با وجود جهان‌داری و سلطان نشانی، آن اسم (پروانه) برو علم شد».^۵ همچنین انتساب پروانه به ریاست دیوان،^۶ از یکی دانستن پروانه و وزیر نشئت گرفته است؛ درحالی که منصب وزارت عهده‌دار ریاست دیوان اعلی بود و بدان سبب، صاحب دیوان خوانده می‌شد.^۷

۱. اقبال آشتیانی، *تاریخ مغول*، ص ۱۹۷ و ۲۰۸؛ یوسفی خلویی، *روابط سیاسی سلاجقه روم با ایلخانان*، ص ۱۲۸؛ *تاریخ آل سلجوق در آناتولی*، مقدمه نادره جلالی، ص ۲۱؛ دیانت، «پروانه، خاندان»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ص ۶۰۸؛

Spuler, *Die Mongolen in Iran. Politik, Verwaltung und Kultur der Ilchanzeit*, p. 49 (Minister muineddin sülainan), p. 65 (der obreste wesir); Gökhan, "XIII. Yüzyılda Maraş", *Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, p. 210; Rice, *The seljuks in Asia minor*, p. 79 (prime minister)

۲. ابن عماد حنبلی، *شذرات الذهب*، ج ۷، ص ۶۱۴؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۵۰، ص ۲۲۶؛ ابن خلدون، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ...*، ج ۵، ص ۶۳۱.

۳. ابن بی‌بی، *الوامر العلامیه فی الامور العلامیه*، ص ۵۴۸.

۴. همان، ص ۵۶۱ و ۵۶۳ (صاحب اعظم فخرالدین)، ۵۶۶ (وزیر مجدالدین ارزنجان)؛ مشکور، *اخبار سلاجقه روم*، ص ۳۰۸ - ۳۰۶؛ نیز بنگرید به: ص ۵۷۰ و ۵۷۳.

۵. آق‌سرایبی، *تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار*، ص ۴۶.

۶. تالبوت رایس، *سلجوقیان در آسیای کهن*، ص ۸۶.

۷. مشکور، *اخبار سلاجقه روم*، ص ۳۲۹؛ آق‌سرایبی، *تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار*، ص ۱۵۵.

۲. پروانگی و نیابت

یکی دیگر از مناصبی که وظایف آن را می‌توان در اقدامات معین‌الدین سلیمان یافت، منصب نیابت سلطان است. نائب‌السلطنه پس از وزیر در رتبه دوم اهمیت قرار داشت.^۱ این عنوان در تشکیلات سلجوقیان ایران به چشم نمی‌خورد و احتمالاً سلجوقیان روم آن را از ایوبیان وام گرفته‌اند.^۲ نیابت سلطنت در غیاب سلطان، اداره امور دولت را بر عهده داشت و نیز می‌توانست در جنگ‌ها حضور یابد.^۳ نائب با اعطای شمشیر طلایی و عمدتاً از میان امرا انتخاب می‌شد و در ازای خدمات، اقطاع دریافت می‌کرد.^۴ علاوه بر نیابت سلطنت، نیابت حضرت (نائب‌الحریره) نیز وجود داشت که دارنده این عنوان، نماینده ایلخانان در دولت سلجوقیان روم بود^۵ و گاه هردو عنوان به یک نفر داده می‌شد.^۶ نفوذ معین‌الدین سلیمان در دولت، آن‌چنان بود که در نبود سلطان، اختیار امور را در دست داشت و شاید به همین دلیل است که در دانشنامه جهان اسلام - به اشتباه - او را نائب‌السلطنه خوانده‌اند.^۷

۳. پروانگی و اتابکی

در دولت سلجوقیان ایران، نهاد اتابکی با هدف تربیت شاهزادگان سلجوقی برای ایفای وظایف حکومتی آینده‌شان فعالیت می‌کرد. سلجوقیان روم نیز به تبعیت از همانامان ایرانی خود، برای تربیت شاهزادگان از افرادی با نام اتابک / اتابک بهره می‌جستند.^۸ اتابک فردی معتمد دولت بود که اداره ولایتی را برعهده داشت و اغلب از میان فرماندهان نظامی گزینش می‌شد.^۹ از وظایف اتابک می‌توان

1. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 93; Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", Tarih Araştırmaları Dergisi, p. 153.

2. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, Ibid.

3. Ibid; Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", Tarih Araştırmaları Dergisi, p. 155.

4. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, Ibid; Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", Tarih Araştırmaları Dergisi, p. 156.

5. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 79, 94; Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", Tarih Araştırmaları Dergisi, p. 157.

۶ مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۴۷۰؛ آق سرائی، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار، ص ۲۴۲.

۷ رازپوش، «پروانه، معین‌الدین سلیمان بن علی»، دانشنامه جهان اسلام، ص ۵۷۲.

8. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 78.

9. Idem, p. 79.

به حضور در دیوان، مشاوره با ارکان دولت، تربیت شاهزادگان در اوایل حکومت سلجوقیان روم اشاره کرد.^۱ وظیفه اتابکان در آماده‌سازی شاهزادگان، بعدها به سلطان نیز معطوف شد و سلاطین در دربار خود اتابکی داشتند که دیگر به سبب پرورش شاهزادگان انتخاب نمی‌شد؛ بلکه سلطان به شکل تشریفاتی فردی را برمی‌گزید.^۲ اتابکان با اینکه در بسیاری از موارد از صاحبان مناصب تأثیرگذار بودند، اما هرگز نتوانستند اقتداری را همانند اقتدار همانامشان در سایر بلاد کسب کنند و شهرت برخی از آنان بیش از آنکه به سبب اتابکی آنان باشد، مرهون اقدامات دیگر آنان بود.^۳

با توجه به عملکرد معین‌الدین سلیمان، می‌توان نقش وی را در تربیت و به تخت نشاندن غیاث‌الدین کیخسرو سوم در شش سالگی مشاهده کرد.^۴ گزارش مختصر سلجوق‌نامه بر اهتمام پروانه به تربیت این سلطان اشاره دارد، آنجا که گوید: «الحق پروانه او را تربیت نیکو داد».^۵

۴. پروانگی و بیگلربیگی

بیگلربیگی / بکلربیکی یا ملک‌الامرایی در تشکیلات سلجوقیان روم از مناصب بالادست نظامی شمرده می‌شد که فرماندهی نیروهای نظامی سلجوقیان روم را برعهده داشت. بیگلربیگی‌ها در مرکز حکومت یا در اقطاعات نزدیک به مرکز حکومت مستقر بودند و در صورت لزوم به نبرد اعزام می‌شدند.^۶ با توجه به ماهیت نظامی و اقتدار بیگلربیگی‌ها، سلطان سلجوقی همواره خود را به آنها نزدیک می‌کرد.^۷

چنان‌که پیشتر گفته شد، اداره امور نظامی برعهده بیگلربیگی‌ها بود؛ اما با وجود این، در میان وظایف پروانگان بارها حضور نظامی و فرماندهی لشکر به چشم می‌خورد که در نتیجه اقتدار پروانگان و اختلاط وظایف مناصب بوده است.^۸

۵. پروانگی و امارت

در تشکیلات سلجوقیان مناصب بسیاری با ترکیب «امیر» دیده می‌شود. مناصبی نظیر امیر مجلس (مسئول برگزاری مجالس بزم و مدیریت بزمخانه)، امیر محفل (= تشریفاتچی، ناظر مراسم روز جمعه

1. Taneri, "Müsâmeretü'l. ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri", Tarih Araştırmaları Dergisi, p. 156-157.

2. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, Ibid.

۳. ربانی، فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم، ص ۴۹.

۴. ابن‌بی‌بی، الاوامر العلاتیه فی الامور العلاتیه، ص ۵۶۱؛ مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۴۱۸ - ۴۱۷.

۵. همان، ص ۴۱۸.

۶. همان، ص ۹۱ و ۱۸۴؛ Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 99.

7. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, Ibid.

۸. بنگرید به: بخش وظایف نظامی پروانگان.

و همراه سلطان که در پایان مراسم به زبان فارسی برای سلطان دعا می‌خواند، امیر شکار (مسئول امور شکار)، امیر سلاح (محافظ سلاح‌ها، حامل سلاح سلطان و فرمانده سلاح‌داران و زرادخانه)، امیر جاندار (محافظ کاخ)، امیر آخور (= کند صطبل / مسئول اسبان سلطان)، امیرداد (وکیل عدلیه)، امیر حاجب (مسئول حاجبان)، امیر علم (= علم‌دار)، امیر دوات (= دوات‌دار) و امیر عارض (مسئول تأمین تدارکات نظامی).^۱

گرچه عنوان امیر رنگ و بوی نظامی دارد؛ اما در این ساختار مفهوم سرکردگی و سرپرستی داشته و یا جهت احترام به کار رفته است. پروانه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در منابع بارها همراه با امیر و امارت آمده است.^۲

۶. پروانگی و حجابیت

حاجب / حاجب الحجاب / امیر حاجب / امیر پرده‌داران از مناصب درباری سلجوقیان روم بود.^۳ این منصب هیچ‌گاه وظیفه ارتباطی و میانجی افراد و سلطان را نداشته و هم‌نشین و محرم اسرار سلطان نبوده است؛^۴ بلکه وظایف او محدود به استقبال و بدرقه میهمانان و نظارت بر ورود و خروج افراد بود.^۵ زیر نظر وی، حاجبان یا پرده‌داران به انجام وظایف می‌پرداختند.^۶ استقبال از میهمانان از وظایف حاجب بود، اما در میان اقدامات پروانه جلال‌الدین قیصر می‌توان این‌گونه اقدام را مشاهده کرد.^۷

نتیجه

پروانگی یکی از مناصب عالی‌رتبه تشکیلات سلجوقیان روم به‌شمار می‌رفت که توانست در این برهه از تاریخ به شکل چشمگیری تأثیرگذار باشد. در این پژوهش، از جنبه‌های مختلف به پروانگان و پروانگی پرداخته و بیان شد که ورود این منصب به دستگاه حکومتی آناتولی، حاصل اقتباس اصطلاح پروانه از دولت سلجوقیان ایران بود که در این ساختار با تکامل به منصب تبدیل شد.

1. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 79-80, 82. 84, 90, 97.

۲. آق سرائی، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار، ص ۱۴۰ و ۲۴۲؛ مولوی، قبه ما فیه، ص ۹۰؛ ابن‌بی‌بی، الاوامر العلامیه فی الامور العلامیه، ص ۵۹۲؛ مشکور، اخبار سلاجقه روم، ص ۴۷۰.

۳. همان، ص ۱۱۳؛ Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 79.

۴. آن‌چنان‌که در سایر دولت‌های اسلامی ایفاگر این وظایف بود.

۵. ربانی، فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم، ص ۵۰ - ۴۹؛

Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 79-80.

6. Uzunçarşılı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, p. 79.

۷. ابن‌بی‌بی، الاوامر العلامیه فی الامور العلامیه، ص ۲۴۲.

پروانگی، با تکیه بر دارنده آن منصب، در دوره‌ای قدرتمندترین منصب سلجوقیان روم شد و توانست جایگاهی را فراتر از وزارت به خود اختصاص دهد. این منصب نخست موظف به انجام امور دیوانی و درباری بود؛ اما به مرور زمان با کسب اختیارات بیشتر در بخش‌های مختلفی نقش آفرینی کرد. ایفای وظیفه در بخش‌های نظامی، تعیین سرنوشت دولت با مذاکره و تعیین جانشینی و انتظام امور مملکت با عزل و نصب‌ها، سبب شد تا پروانگی به جایگاه برجسته در دربار سلجوقیان روم دست یابد. وجود اختلاط در اختیارات و انجام وظایف مناصب، سبب افزایش پیچیدگی و درآمیختگی دیوان‌سالاری این دولت شده بود.

در این میان، پروانگان نیز متناسب با وضع اقتدار خود، در اختیارات و وظایف مناصب متعددی مانند وزارت، نیابت، بیگلربیگی، حجابت، اتابکی و نظایر اینها شراکت داشتند. همین شراکت در وظایف بود که سبب سردرگمی پژوهشگران معاصر در پرداختن به وظایف و اختیارات پروانگان شده است. علی‌هذا، در این پژوهش، جنبه‌های مختلف منصب پروانگی - تا آنجا که منابع پاسخ‌گو بود - واکاوی شده و پروانه به‌عنوان منصبی پر اهمیت که منحصرأ در آناطولی دوره سلجوقیان به اقتدار رسید، معرفی و اختیارات و وظایف آن بررسی شد.

منابع و ماخذ

۱. آق‌سرای، محمود بن محمد، *تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخیار*، تهران، اساطیر، چاپ عثمان توران، ۱۳۶۲.
۲. ابن بی‌بی المنجمه، ناصرالدین حسین بن محمد، *الاوامر العلانیه فی الامور العلانیه مشهور به تاریخ ابن بی‌بی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ ژاله متحدین، ۱۳۹۰.
۳. ابن بطوطه، شمس‌الدین ابی‌عبدالله محمد بن عبدالله اللواتی الطنجی، *رحله ابن بطوطه (تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار)*، الرباط، اکادیمیه المملکه المغربیه، ۱۴۱۷ ق.
۴. ابن خرداذبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، *المسالك و الممالک*، لیدن - بیروت، دار صادر افست لیدن، ۱۸۸۹ م.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۶. ابن عبری، غرغوریوس الملطی، *تاریخ مختصر الدول*، تحقیق انطون صالحانی الیسوعی، بیروت، دار الشرق، ۱۹۹۲ م.

- ۶۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۵، تابستان ۹۳، ش ۱۵
۷. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۸. ابن عماد حنبلی، شهاب‌الدین، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، تحقیق الأرناؤوط، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۹. ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد، *کتاب البلدان*، تحقیق یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م.
۱۰. افلاکی، احمد بن اخی ناطور، *مناقب العارفین*، تصحیح تحسین یازیجی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۵.
۱۱. اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مغول*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۱۲. برگ نیسی، نادیا، «پروانه»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۵، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۲ - ۵۷۰.
۱۳. برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی، *برهان قاطع*، به اهتمام محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۱۴. تالبوت رایس، تامارا، *سلجوقیان در آسیای کهن*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.
۱۵. ترکمان، اسکندر بیگ، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تهران، امیرکبیر، چاپ ایرج افشار، ۱۳۸۲.
۱۶. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، *الحيوان*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۱۷. حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی، *زبدة التواریخ*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سید کمال حاج سیدجوادی، ۱۳۸۰.
۱۸. خنجی، فضل‌الله بن روزبهان، *تاریخ عالم آرای امینی*، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۲.
۱۹. خواجه نظام‌الملک طوسی، *سیرالملوک (سیاست‌نامه)*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ هیوبرت دارک، ۱۳۴۲.
۲۰. خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف، *مفاتیح العلوم*، تحقیق ابراهیم الیاری، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.
۲۱. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین، *تاریخ حبیب السیر*، تهران، خیام، ۱۳۸۰.
۲۲. دمیری، کمال‌الدین، *حیة الحيوان الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.

۲۳. دیانت، علی اکبر، «پروانه، خاندان»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۳، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۶۱۰-۶۰۷.
۲۴. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وقایع المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.
۲۵. رازپوش، شهناز، «پروانه، معین الدین سلیمان بن علی»، *دانش نامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۵، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۵-۵۷۲.
۲۶. رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال الدین، *غیاث اللغات*، به کوشش منصور ثروت، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵.
۲۷. ربانی، زهرا، *فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
۲۸. سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ عبدالحسین نوایی، ۱۳۸۳.
۲۹. صولی، محمد بن یحیی، *ادب الكتاب*، قاهره، مکتبه العربیه، چاپ محمد بهجه الاثری، ۱۳۴۱.
۳۰. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ / ۱۹۶۷ م.
۳۱. قاضی تنوخی، ابوعلی محسن بن علی، *نشوار المحاضرہ و اخبار المذاکره*، بیروت، چاپ عبود شالجبی المحامی، ۱۳۹۱ ق.
۳۲. قدامه بن جعفر، *الخراج و صناعه الكتابه*، بغداد، دار الرشید للنشر، ۱۹۸۱ م.
۳۳. قلقشندی، شهاب الدین، *صبح الاعشی فی صناعه الانشاء*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۳۴. مجهول المؤلف، *تاریخ آل سلجوق در آناتولی*، تهران، میراث مکتوب، چاپ نادره جلالی، ۱۳۷۷.
۳۵. محمدی ملایری، محمد، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، تهران، توس، ۱۳۷۹.
۳۶. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۳۷. مشکور، محمدجواد، *اخبار سلاجقه روم*، به انضمام مختصر سلجوقنامه ابن بی بی، تهران، کتاب فروشی تهران، ۱۳۵۰.

- ۷۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۵، تابستان ۹۳، ش ۱۵
۳۸. مولوی، جلال‌الدین محمد، *فیه ما فیه*، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، نگاه، ۱۳۸۶.
۳۹. نخجوانی، محمد بن هندوشاه، *دستور الکاتب فی تعیین المراتب*، مسکو، فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، چاپ عبدالکریم علی اوغلی ۱۹۷۶م.
۴۰. نفیسی (ناظم الاطباء)، علی‌اکبر، *فرهنگ نفیسی*، تهران، کتاب‌فروشی خیام، بی‌تا.
۴۱. واله قزوینی، محمدیوسف، *خلد برین*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشارزاده یزدی، ۱۳۷۲.
۴۲. یوسفی حلوائی، رقیه، *روابط سیاسی سلاجقه روم با ایلیخانان*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۴۳. یونینی، موسی بن محمد، *ذیل مسرآه الزمان*، حیدرآباد دکن، مجلس دائرةالمعارف العثمانیه، ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۴ م.

44. Bal, Mehmet Suat, “Türkiye Selçuklu Devletine Hükümdarlık Yapan Vezir; Şemseddin isfahân”, *Türkiyat Araştırmaları Dergisi*, p. 265-294, Selçuk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü, Konya, 2006.
45. Erdem, İlhan, “Türkiye Selçuklu-İlhanlı İktisadi, Ticari İlişkileri ve Sonuçları”, *AÜDTCFD*, XXI/33, Şubat, p. 49-67, Ankara, 2003.
46. Gökhan, İlyas, “XIII. Yüzyılda Maraş”, *Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, p. 191-222, No. 13, Konya, 2005.
47. Göksu, Erkan, “Türkiye Selçuklu devletinde gulam eğitimi ve gulamhaneler”, *Nüsha Şarkiyat Araştırmaları Dergisi (A Journal of Oriental Studies)*, No. 24, p. 65-84, Ankara, 2008.
48. Herrmann, G, “Parwanaçi”, *EI2*, vol. 8, p. 276-277, Leiden, E. J. Brill, 1995.
49. Hillenbrand, Carole, “Muin al din Sulayman Parwana”, *E. I2*, vol. 7, p. 479-480, Leiden, E. J. Brill, 1993.
50. Idem, “Pervane”, *DİA (Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi)*, vol. 34, p. 244, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, İstanbul, 2007.
51. Idem, “Pervaneoğulları”, *DİA (Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi)*, vol. 34, p. 245-246, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, İstanbul, 2007.
52. Idem, “Türkiye Selçukluları, Mısır Memlükleri ve Altın Orda Devleti'nin İlhanlılara Karşı Kurduğu İttifak”, *Türkiyat araştırmaları dergisi*, p. 295-310, Selçuk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü, Konya, 2005.
53. Kaymaz, Nejat, “Anadolu selçuklu devletinin inhitatında idare mekanizmasının rolü”, *TAD*, p. 91-155, Ankara, 1964.

54. Kesik, Muharrem, “Muinüddin Süleyman Pervane”, DİA(Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi), vol. 31, p. 91-93, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, İstanbul, 2006.
55. Koca, Salim, “Selçuklu İktidarının Belirlenmesinde Rol Oynayan Güçler ve Alâeddin Keykubâd'ın Türkiye Selçuklu Tahtına Çıkışı”, Türkiyat Araştırmaları Dergisi, p. 1-38, Selçuk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü, Konya, 2009.
56. Rice, Tamara Talbot, The seljuks in Asia minor, London: Thames and Hudson Press, 1966.
57. Spuler, Bertold, Die Mongolen in Iran. Politik, Verwaltung und Kultur der Ilchanzeit 1220-1350, Leiden, E. J. Brill, 1985.
58. Taneri, Aydın, “Müsâmeretü'l-ahbâr'ın Türkiye Selçuklu devleti teşkilatı bakımından değeri”, Tarih Araştırmaları Dergisi, vol. 4, p. 127-171, No. 6, 1968.
59. Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, Osmanlı devleti teşkilatına medhal, Ankara, Türk Tarih Kurumu yayınları, 1988.

